

اصول حسابداری
و
خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری

***Accounting Principle
AND
Qualitative characteristics
of accounting information***

اصول یعنی چه ؟

معرف رویکرد های کلی است که شناسایی و اندازه گیری رویدادهای حسابداری را هدایت می کند.

حسابداری :

تولید و انتقال اطلاعات به گروههای استفاده کننده را حسابداری گویند.

استفاده کننده گان:

- | | |
|------------|--|
| ۱- ذینفع | سرمایه گذاران |
| ۲- ذیحق | دولت |
| ۳- ذیعلاقه | پژوهشگران ، سازمان بورس و اوراق بهادار |

اصول حسابداری :

- بیانیه شماره ۴ هیات اصول حسابداری بیان می کند
- اصول حسابداری ریشه در **تجربه** ، **استدلال** ، **سنت** ، **بکارگیری و الزام عملی** دارد .
- در این تعریف اصول و مفروضات بنیادی از یکدیگر متمایزند اگر چه هر دو از تجربیات ناشی می شود.

اصول حسابداری در دو گروه گسترده طبقه بندی می شود :

۱- اصول متمرکز بر نهاده ها:

۲- اصول متمرکز بر ستانده ها:

اصول متمرکز بر نهاده ها :

- شامل رویکردهای کلی یا قواعدی است که برای تهیه صورتهای مالی و محتوای آن و همچنین ، صورتهای مالی مکمل و موارد افشاء بکار گرفته می شود .

- شامل قواعد کلی است که انجام عملیات حسابداری را هدایت می کند.

اصول متمرکز بر نهاده های حسابداری به دو گروه طبقه بندی می شود .

۱- اصول حاکم بر قواعد کلی عملیات



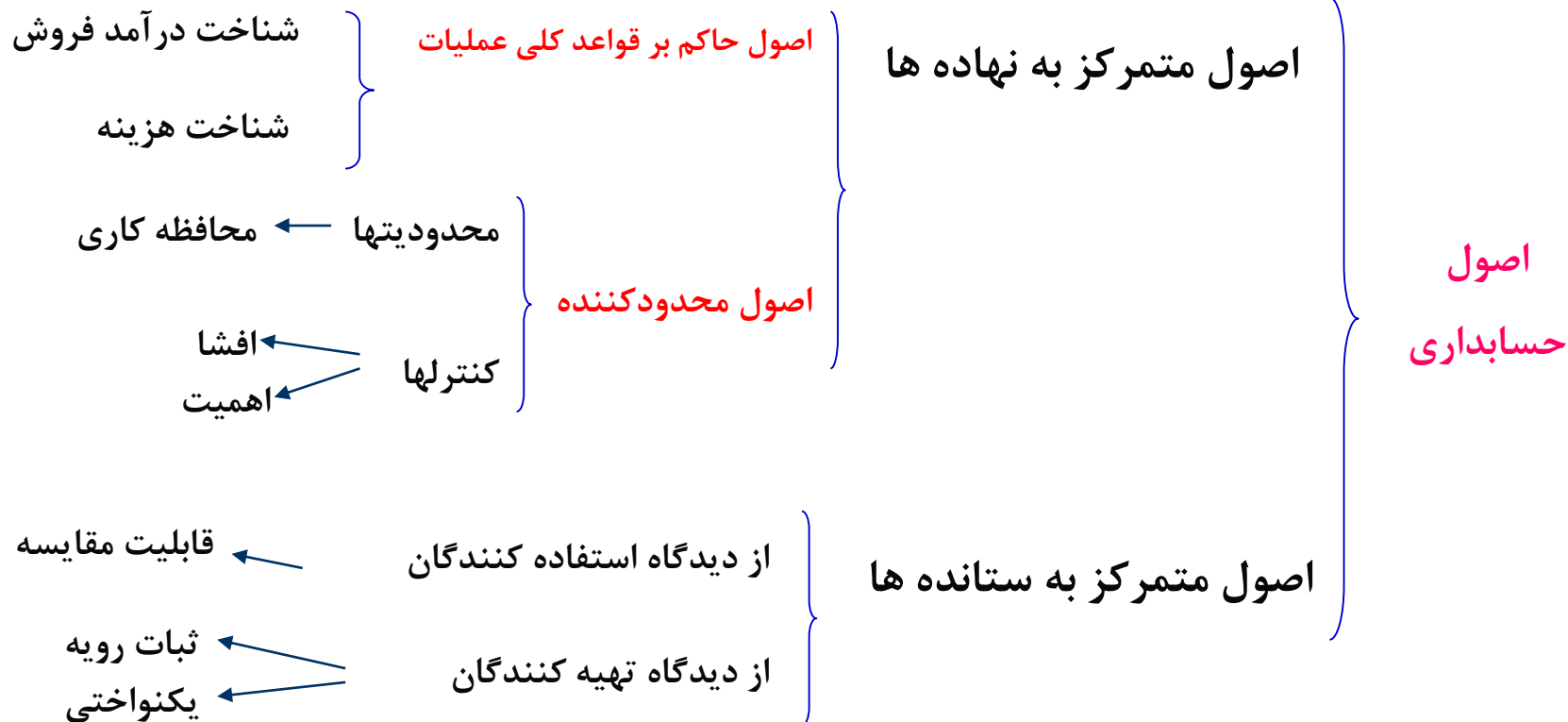
(ماهیت کلی دارند)

۲- اصول محدود کننده



(موارد خاص را در بر می گیرند)

اصول حسابداری در یک نگاه :



تحقق (شناخت) درآمد فروش (اصل تحقق):

از جمله مسائل جالب توجه تئوری حسابداری در مورد
اصل تحقق درآمد :

- ۱- ماهیت درآمد فروش
- ۲- اندازه گیری درآمد فروش
- ۳- زمان شناسایی درآمد فروش

به سئوالات زیر پاسخ داده خواهد شد .

- ۱- ماهیت درآمد فروش چیست ؟
- ۲- چه اقلامی را می توان در درآمد فروش منظور کرد؟
- ۳- چگونه می توان درآمد فروش را اندازه گیری کرد؟
- ۴- چه موقع می توان درآمد فروش را شناسایی و از لحاظ مقاصد حسابداری گزارش کرد؟

ماهیت درآمد فروش :

- ۱- درآمد فروش موجب افزایش **سود** می شود .
- ۲- درآمد فروش همانند سود، فرایندی جاری است .
- ۳- این فرایند توسط برخی نویسندگان به مفهوم **محصول** واحد انتفاعی تلقی شده است.

تعریف درآمد فروش از دیدگاه انجمن حسابداران آمریکا:

درآمد فروش، (Product Concept)

بیان پولی تمامی محصولات یا خدمات **بعد از انتقال** توسط
واحد انتفاعی به مشتریان آن طی یک دوره می باشد.

انتقاد وارده :

بر اساس روش درصد پیشرفت کار ، درآمد فروش **قبل از انتقال** کالا و
خدمات شناسائی می گردد .

تعریف درآمد فروش از دیدگاه هیات استانداردهای حسابداری مالی امریکا:

درآمد فروش (Outflow Concept) عبارتست از **ورود دارایی** به یک واحد انتفاعی یا **افزایش داراییهای موجود** آن و یا **تسویه یا کاهش بدهی ها**، یا ترکیبی از آنها که از تحویل کالا و خدمات یا سایر فعالیتها که جزء عملیات اصلی واحد انتفاعی است ناشی میگردد.

انتقاد وارده:
اندازه گیری و زمان شناسایی درآمد فروش با فرآیند ایجاد آن مخلوط شده است.

تعریف درآمد فروش از دیدگاه هیات اصول حسابداری :

درآمد فروش : (Inflow Concept)

افزایش ناخالص در داراییها یا کاهش ناخالص در بدهیها که بر اساس اصول پذیرفته حسابداری شناسایی و اندازه گیری شده است و منتج از فعالیتهای انتفاعی است که موجب تغییر در حقوق صاحبان سرمایه می شود.

نکته : تاثیر درآمد فروش بر حقوق صاحبان سهام را بررسی می کند.

انتقاد وارده :

در تعریف فوق درآمد فروش را با ثبت دو طرفه مربوط می کند و موارد ذکر شده در آن صحیح است اما، از لحاظ روشن شدن ماهیت درآمد فروش کمکی محسوب نمی شود. اندازه گیری درآمد فروش با تعریف آن مخلوط می شود .

چه اقلامی را می توان در درآمد فروش منظور کرد؟

فروش از ۲ عامل ناشی می شود:

۱- فعالیتهای موجد ثروت

(حاصل از فعالیتهای اصلی که برنامه شرکت است)

سود حاصله از خرید و فروش یا ارائه خدمات

۲- انتقال غیرمنتظره ثروت

(حاصل از درآمدهای غیر منتظره و غیر عملیاتی و خارج از برنامه واحد تجاری می باشد).

هدایا

چگونه می توان در آمد فروش را اندازه گیری کرد؟

بهترین روش اندازه گیری، **ارزش مبادله کالا یا خدماتی** است که طرفین در یک معامله با رضایت و آگاهی معامله را انجام می دهند. اما گاهی اوقات مواردی در فروش دخیل است که در خالص دریافتی اثر دارد مانند تخفیفات، نرخ تنزیل برای مدت انتظار جهت وصول مبلغ فروش که موجب تغییر در فروش خالص می شود.

چه موقع می توان درآمد فروش را شناسایی کرد؟

هیات استانداردهای حسابداری مالی، شناخت درآمد فروش را به احراز موارد زیر بیان کرده است :

- ۱- درآمد فروش کسب شده باشد.
- ۲- درآمد فروش تحقق یافته یا قابل تحقق باشد.

درآمد فروش کسب شده باشد یعنی چه ؟

از دیدگاه اقتصادی کسب درآمد فروش فرآیندی مستمر است، محصول واحد انتفاعی به تدریج از تبدیل مواد اولیه با بکارگیری نیروی کار، تجهیزات سرمایه ای به بازار عرضه کالا ارائه می شود. حمل مواد اولیه به کارخانه و همچنین حمل کالای ساخته شده به بازار نیز بخشی از **فرآیند کسب درآمد** است.

از این دیدگاه قاعدتا درآمد فروش در **تمامی چرخه تولید** شناسایی میشود
روش درصد پیشرفت کار مثالی برای این نقطه نظر است.

نکته :

درآمد فروش باید به دوره ای تخصیص یابد که طی آن،
فعالیت‌های اصلی اقتصادی برای ایجاد و انتقال کالاها و خدمات
انجام شده باشد مشروط بر اینکه اندازه گیری عینی نتایج این
فعالیتها نیز در دسترس باشد
و دو شرط اصلی یعنی **انجام فعالیت‌های اصلی و عینیت**
اندازه‌گیری باید احراز شود.

درآمد فروش تحقق یافته یا قابل تحقق باشد یعنی چه ؟

در زبان حسابداری فرآیند تبدیل منابع غیرنقدی به پول را ” **تحقق** ” گویند .

یعنی سوال می شود که محصول فروش رفته به پول تبدیل شده است یا خواهد شد یا خیر؟

اصل تطابق :

(مقایسه هزینه های دوره با درآمدهای همان دوره)

هزینه به معنای **انقضای بهای تمام شده** در فرآیند ایجاد شده در آمد فروش تعریف شده است بنابراین ایجاد درآمد فروش عملیاتی لازمه تحقق هزینه میباشد.

چنانچه مرتبط کردن تمام درآمدهای فروش با هزینه های فروش در دوره معینی امکان پذیر باشد، اندازه گیری هزینه ها مشکل خاصی ندارد اما بسیاری از هزینه های با اهمیت را نمی توان با درآمدهای فروش مرتبط کرد. یا در برخی از موارد انتفاع هزینه ها بیش از یک دوره است که قانون هزینه های دوره با درآمد دوره میبایست رعایت شود. در کل فرآیند **شناخت وقوع هزینه** برای مواردی مثل استهلاک، بهای تمام شده کالای فروش رفته، مخارج انتقالی به دوره های آتی در قبال درآمدهای همان دوره **اصل تطابق** نامیده میشود.

تبعیت از اصل مقابله هزینه های دوره با درآمد فروش همان دوره (**اصل تطابق**) به معنای این است که هزینه ها براساس مبنای منصفانه و در ارتباط تبعیت از اصل مقابله هزینه با درآمد فروش همان دوره شناسایی شده است.

از آنجا که شناسایی بهای تمام شده ریشه در بهای تمام شده تاریخی دارد بنابراین مورد انتقادات صاحبان نظر شده است که عبارتست از :

۱- رویکرد بهای تمام شده تاریخی غالبا با توجه به وجود **تورم** موجب اندازه گیری کمتر از واقع هزینه ها در مقایسه با ارزش کالا یا خدمات می باشد.

۲- استفاده از روشهای سیستماتیک و منطقی مورد قبول حسابداری کاملا **اختیاری** میباشد.

اصول محدود کننده:

- منظور از میثاقهای تعدیل کننده، **محدودیت‌هایی** است که برای تعدیل بکارگیری اصول فراگیر اندازه گیری، به طور گسترده مورد قبول شده است.
- این میثاقهای تعدیل کننده ، به منظور مواجهه با برخی از مشکلترین و بحث انگیزین ترین مسائل حسابداری مالی به تدریج ایجاد شده و تکامل یافته اند.

اصول محدود کننده حسابداری

۱- محدودیتهائی را بر صورتهای مالی تحمیل می کند.



(مانند - محافظه کاری یا احتیاط)

۲- کنترل‌هائی را برآن اعمال می نماید .



(مانند - اهمیت و افشاء)

محافظه کاری یا احتیاط :

محافظه کاری واکنشی احتیاط آمیز در مقابل ابهامات موجود تلقی شده است.

برخی از محققین حسابداری ، محافظه کاری را به معنای تاثیر بیشتر اخبار بد (درمقایسه با سود گزارش شده) بر قیمت اوراق بهادار واحدهای انتفاعی تفسیر کرده اند.

از دیدگاه تهیه کنندگان صورتهای مالی، محافظه کاری به عنوان کوششی برای انتخاب روشی از روشهای پذیرفته شده حسابداری که به یکی از موارد ذیل منتج می شود:

- ۱- شناخت کندتر درآمد فروش
- ۲- شناخت سریعتر هزینه ها
- ۳- ارزشیابی کمتر دارائیهها
- ۴- ارزشیابی بیشتر بدهیهها
- ۵- بدبینی از خوش بینی بهتر است .
مانند
دارائیههای احتمالی
- ۶- خوش بینی از بد بینی بهتر است .
مانند
بدهیههای احتمالی

برای تاکید بر اهمیت محافظه کاری، چند دلیل وجود دارد :

- دلیل اول :

بکارگیری اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار موجب کاهش ارزش دارایی و به پیرو آن موجب کاهش در مالیات بر دارایی ها می شود.

- دلیل دوم :

مقابله با انگیزه مدیران جهت بالا بردن سود شخصی .

نکته :

از دیدگاه تئوری نمایندگی که حقوق و مزایای مدیران را به سود گزارش شده مرتبط می کند، مدیران انگیزه قوی برای پنهان کردن اخبار بدی دارند که موجب کم شدن سود می شود. بنابراین می توان محافظه کاری را مکانیزمی برای کنترل انگیزه های مدیران جهت گزارش بیشتر از واقع سود تلقی کرد.

اندازه گیری محافظه کاری :

سه مورد از پرکاربردترین معیارهای اندازه گیری محافظه کاری به شرح زیر است ؟

۱- معیار مبتنی بر اقلام تعهدی

۲- معیار مبتنی بر ارزش بازار

۳- معیار رابطه بازدهی سود و سهام

معیار مبتنی بر ارقام تعهدی :

(تعریف دقیق محافظه کاری) انتخاب رویه ای از بین گزینه های موجود :

۱- از طریق شناسائی کندتر درآمدها

۲- از طریق شناسائی سریع تر هزینه ها

۳- کمتر ارزیابی نمودن دارائی ها

۴- بیشتر ارزیابی نمودن بدهی ها

منجر به حداقل گزارش شدن سود انباشته می شود .

تعریف محافظه کاری :

این تعریف به خوبی بعد چند دوره ای بودن انتخاب های حسابداری را در نظر دارد ، و چندین معیار تجربی برای اندازه گیری میزان محافظه کاری به دست می دهد.

یکی از این معیارها ، علامت و مقدار اقلام تعهدی تجمیعی طی زمان است .

با توجه به معکوس شدن اقلام تعهدی در دوره های بعد ، انتظار می رود در دوره های متعاقب دوره هایی که سود خالص بیش از وجه نقد عملیاتی است ، از اقلام تعهدی منفی استفاده شود .

و در دوره هایی که سود خالص کمتر از وجه نقد عملیاتی است ، انتظار می رود دوره های بعدی با اقلام تعهدی مثبت همراه باشند .

معیار محافظه کاری مبتنی بر ارزش های بازار :

ارزش بازار دارائی ها و تعهدات در برگیرنده تغییر خالص دارائی ها در هر دوره است ، اما تمام این تغییرات در حساب ها و گزارش های مالی منعکس نمی شوند .

تحت حسابداری محافظه کارانه ،

افزایش دارائی ها (سود) که فاقد رسیدگی بالائی باشند ، ثبت نمی شوند . در حالی که کاهش هایی با همان میزان قابلیت رسیدگی ، ثبت می شوند .

در نتیجه ،

خالص دارائی ها کمتر از واقع و زیر ارزش بازار گزارش می شود .

معیار محافظه کاری :

احمد و دولمان از نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و ضرب آن در عدد (۱ -) به عنوان معیار محافظه کاری استفاده کردند .

= معیار محافظه کاری	ارزش دفتری	× - ۱
	ارزش بازار	

رابطه معکوس نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار با محافظه کاری :

از آنجا که محافظه کاری معمولاً منجر به کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام نسبت به ارزش بازار آن می شود ، شرکت های استفاده کننده از حسابداری محافظه کارانه تر ، دارای نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار کمتری هستند .

به عبارت دیگر : رابطه نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار با محافظه کاری معکوس است ، که با ضرب آن در عدد (-۱) نسبت مستقیمی از محافظه کاری به دست می آید .

معیارهای رابطه بازدهی سهام و سود :

در این تفسیر از محافظه کاری ، سود حسابداری ” **اخبار بد** ” را سریع تر از ” **اخبار خوب** ” منعکس می کند .

باسو در سال ۱۹۹۷ میلادی محافظه کاری را به صورت تمایل حسابداران در الزام بر درجه بالاتری از قابلیت رسیدگی ” **اخبار خوب** ” نسبت به ” **اخبار بد** ” در صورت های مالی تفسیر نمود.

افشا:

- **افشا** به عنوان یکی از مفروضات بنیادی دستوری مطرح شده تا از گمراهی استفاده کنندگان گزارشای مالی جلوگیری کند.
- مفهوم **افشا**، به اطلاعات مالی مربوط در متن و همراه با صورتهای مالی اساسی، شامل روشهای بکار گرفته شده در تهیه صورتهای مالی اشاره دارد.

به عبارت بهتر :

مفهوم **افشاء** به این معناست که صورتهای مالی منتشره و یادداشتهای مربوطه باید حاوی هرگونه اطلاعات اقتصادی مرتبط با شخصیت حسابداری باشد که به اندازه کافی برای اثرگذاری بر تصمیمات استفاده کنندگان آگاه و محتاط اهمیت دارد .

علت افشا:

- ۱- تهیه و گزارش صورتهای مالی مکمل نظیر صورتهای مالی تورمی
- ۲- افشای اطلاعاتی که نمی توان آنها را در متن صورتهای مالی گزارش کرد از طریق یادداشتهای همراه صورتهای مالی می توان افشا کرد.
- ۳- افشای رویدادهای با اهمیت بعد از تاریخ صورتهای مالی، از طریق یادداشتهای همراه .
- ۴- پیش بینی عملیات سال آینده
- ۵- تجزیه و تحلیل مدیریت از عملیات، در گزارشهای سالانه

با توجه به موارد گفته شده می توان انتظار داشت در آینده اهمیت افشا بیشتر خواهد شد زیرا:

- **اولا :** به موازات افزایش پیچیدگی محیط تجارت ارائه اطلاعات مالی و عملیاتی با اهمیت، در چارچوب صورتهای مالی سنتی مشکل تر، و گاهی غیر ممکن است.
- **ثانیا:** بازار سرمایه می تواند به سرعت اطلاعات تازه را جذب و در قیمت اوراق بهادار منعکس کند بنابراین بسیاری از تحلیل گرانی که بر مکانیسم کارایی بازار اتکا می کنند افشای اطلاعات دقیق و گسترده مالی را خواستارند. (تحلیل گران بازار سرمایه نیاز به اطلاعات بیشتر و دقیقتر دارند)

اهمیت:

- اهمیت توسط هیات استانداردهای حسابداری مالی به عنوان یک خاصه فراگیر توصیف شده است .
- از بسیاری جهت مشابه مربوط بودن است. اهمیت روی دیگر افشا تلقی می شود.
- اهمیت بجای اینکه یک خصوصیت کیفی اصلی لازم برای اطلاعات باشد یک نقطه انقطاع است و باید قبل از سایر خصوصیات کیفی اطلاعات مورد توجه قرار گیرد .

نکته :

اگر اطلاعات با اهمیت نباشد نیازی به بررسی
بیشتر آنها نیست .

عینیت:

- عینیت به کیفیت شواهد زیربنایی اشاره می کند و نهایتاً تلخیص و به شکل صورتهای مالی نشان داده می شود.
- کیفیت شواهد جدا از اشخاصی که وظیفه انداه گیری را به عهده می گیرند، ارزیابی می شود.
- از دیدگاه آماری عینیت یعنی میزان اتفاق نظر بین اندازه گیرها می باشد.

اصول متمرکز بر ستانده ها :

اصول متمرکز بر ستانده ها، ویژگیهایی را بیان می کند که صورتهای مالی از دیدگاه استفاده کنندگان و تهیه کنندگان آن باید دارا باشند. بنابراین، لزوما این مفاهیم تا حدودی بر یکدیگر منطبق و یا مکمل هم می باشند.

اصول متمرکز بر ستانده ها:

قابلیت مقایسه صورتهای مالی تهیه شده توسط واحدهای انتفاعی مختلف را مد نظر قرار می دهد .

شامل ویژگیهایی است که چگونگی انعکاس اطلاعات در صورتهای مالی است .

قابلیت مقایسه:

به میزان **قابلیت اعتمادی** اشاره دارد که استفاده کنندگان صورتهای مالی هنگام ارزیابی وضعیت مالی و نتایج عملیات به منظور واحدهای انتفاعی مختلف یا پیش بینی سود و گردش وجوه نقد، برای آن صورتهای قایل هستند.

بنابراین، قابلیت مقایسه تا حدود زیادی به میزان یکنواختی بکار رفته در **ثبت رویدادها و تهیه صورتهای مالی** بستگی دارد.

نکته :

قابلیت مقایسه به استفاده کنندگان صورتهای مالی مربوط می شود .

ثبات رویه :

- ثبات رویه به کار گیری روشهای حسابداری یکسان توسط یک واحد انتفاعی معین در دوره های مالی متوالی اشاره دارد.
- ثبات رویه ، یکی از جنبه های یکنواختی می باشد .

نکته :

ثبات رویه به تهیه کنندگان
صورتهای مالی مربوط می شود.

یکنواختی :

تفسیرهای ارائه شده برای یکنواختی :

۱- یکنواختی مطلق :

بکارگیری روشهای حسابداری یکسان در وضعیتهای مشابه ،بدون توجه به وضعیتهای متفاوت .

۲- یکنواختی محدود:

بکارگیری روشهای حسابداری مشابهی که تفاوت در وضعیت اقتصادی را نیز مد نظر قرار دهد .

۳- مجموعه ای از اصول یکنواخت حسابداری برای تمامی واحدهای انتفاعی که تفسیر و بکارگیری آن در اختیار هریک از واحدهای انتفاعی باشد .

نکته :

یکنواختی به تهیه کنندگان
صورتهای مالی مربوط می شود.

خصوصیات کیفی اطلاعات مالی :

خصوصیات کیفی به خصوصیات اطلاق می گردد که موجب می گردد اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی برای استفاده کنندگان در راستای وضعیت مالی ، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری مفید واقع شود .

خصوصیات کیفی اطلاعات مالی در انتخاب راهکاری از بین راهکارهای مختلف حسابداری و گزارشگری به کمکمان می شتابند .

خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری

۱- خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات

۲- خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با ارائه اطلاعات

چه چیزی اطلاعات مالی را مفید می سازد ؟

کیفیت آستانه ای

اهمیت

اطلاعاتی که حائز اهمیت نیست نمی تواند مفید باشد

خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات

مربوط بودن

موازنه لازم است

قابل اتکا بودن

چه اطلاعاتی مربوط است ؟

اطلاعاتی که بر تصمیم گیریها تاثیر گذارند

ارزش تائید کنندگی
ارزش پیش بینی کنندگی

انتخاب خاصه

چه اطلاعاتی قابل اتکاء است ؟

اطلاعاتی که عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه باشد

بیان صادقانه

بیطرفی

احتیاط

کامل بودن

رجحان محتوا بر شکل

مربوط بودن :

اطلاعاتی مربوط تلقی می شود که بر تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته ، حال یا آینده ، تأیید و یا تصحیح ارزیابیهای گذشته آنها موثر واقع شود .

انتخاب خاصه :

برای ارائه اقلام در صورتهای مالی باید خاصه قلم مورد ارائه انتخاب شود . صورتهای مالی تنها می توانند آن خاصه هائی را ارائه کند که بر حسب واحد پول قابل بیان است .

ارزش تائید کنندگی و ارزش پیش بینی کنندگی :

اطلاعاتی که از طریق تائید یا اصلاح انتظارات قبلی تصمیم گیرنده ، بر یک تصمیم اثرگذار باشد در این صورت خواهیم گفت اطلاعات دارای ارزش تائید کنندگی است .

اطلاعاتی که از طریق ارتقاء توانائی تصمیم گیرنده در پیش بینی نتایج رویدادهای گذشته یا حال، بر تصمیم اثر داشته باشد که در این صورت اطلاعات ، دارای ارزش پیش بینی کنندگی است .

قابل اتکاء بودن :

اطلاعاتی قابل اتکاست که عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشد و به طور صادقانه معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است یا به گونه ای معقول انتظار می رود بیان کند .

کامل بودن :

اطلاعات مندرج در صورتهای مالی باید با توجه به کیفیت اهمیت و ملاحظات مربوط به فزونی منابع بر هزینه تهیه و ارائه آن ، کامل باشد .

بیطرفی :

اطلاعات مندرج در صورتهای مالی
باید بیطرفانه یعنی عاری از تمایلات
جانبدارانه باشد .

احتیاط :

ابهامات حاکم بر محیط اقتصادی و عدم امکان پیش بینی قطعی آینده
ایجاب می کند در تهیه اطلاعات مالی احتیاط شود .

احتیاط عبارت است از کاربرد درجه ای از مراقبت که در اعمال قضاوت
برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه ای که
درآمدها یا دارائیهها بیش از واقع و هزینه ها یا بدهیهها کمتر از واقع ارائه
نشود .

بیان صادقانه :

اطلاعات باید اثر معاملات و سایر رویدادهائی را که ادعا می کند بیانگر آن است یا به گونه ای معقول انتظار می رود بیانگر آن باشد. به طور صادقانه بیان شود .

چه خصوصياتی ارائه اطلاعات مالی را مفید می سازد ؟

خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با ارائه اطلاعات

قابل مقایسه بودن

قابل فهم بودن

ثبات رویه

افشای مناسب

میزان توان
استفاده کننده

ادغام و طبقه بندی

چه عواملی اعمال خصوصیات کیفی را دچار محدودیت می کند ؟

موازنه بین خصوصیات کیفی

به موقع بودن

ملاحظات منفعت و هزینه

قابل فهم بودن :

یک خصوصیت کیفی مهم اطلاعات مندرج در صورتهای مالی این است که به آسانی برای استفاده کنندگان قابل درک باشد .

نکته :

قابل فهم بودن یک کیفیت خاص مربوط به استفاده کننده است .

ادغام و طبقه بندی :

برای اینکه ارائه اطلاعات مالی قابل فهم بودن باشد لازم است اقلام به نحوی مناسب در یکدیگر ادغام و طبقه بندی شود .

توان استفاده کننده :

صورتهای مالی برای رفع نیازهای استفاده کنندگان مختلفی که از درجات مختلف آگاهی از فعالیتهای تجاری و اقتصادی و نحوه حسابداری دارند ، تهیه می شود .

قابل مقایسه بودن :

به میزان **قابلیت اعتمادی** اشاره دارد که استفاده کنندگان صورتهای مالی هنگام ارزیابی وضعیت مالی و نتایج عملیات به منظور واحدهای انتفاعی مختلف یا پیش بینی سود و گردش وجوه نقد، برای آن صورتهای قایل هستند.

ثبات رویه :

- ثبات رویه به کار گیری روشهای حسابداری یکسان توسط یک واحد انتفاعی معین در دوره های مالی متوالی اشاره دارد.
- ثبات رویه ، یکی از جنبه های یکنواختی می باشد .

افشای مناسب :

مفهوم **افشاء** به این معناست که صورتهای مالی منتشره و یادداشتهای مربوطه باید حاوی هرگونه اطلاعات اقتصادی مرتبط با شخصیت حسابداری باشد که به اندازه کافی برای اثرگذاری بر تصمیمات استفاده کنندگان آگاه و محتاط اهمیت دارد .

ملاحظات منفعت و هزینه :

از آنجا که تهیه اطلاعات حسابداری بدون هزینه نیست، افرادی که به تدوین استانداردهای حسابداری می پردازند باید این موضوع را مد نظر داشته باشند که منافع اطلاعاتی حاصل از افشای حسابداری خاص باید بیشتر از هزینه های آن باشد .

به موقع بودن :

حتی یک تصمیم درست هم
غلط خواهد بود اگر دیر اتخاذ
شده باشد .

به موقع بودن :

هرگاه تاخیری نابجا در گزارش اطلاعات رخ دهد ، اطلاعات ممکن است خصوصیت مربوط بودن خود را از دست بدهد .

موازنه بین خصوصیات کیفی :

برای افزایش یک خصوصیت کیفی ، باید به ناچار درجاتی از خصوصیت دیگر را فدا کرد .

ارائه دهنده : میرحافظ امیرآزاد
دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری